

آراء تفسیری سید جمال الدین اسدآبادی و ابعاد اجتماعی آن

محمدصادق پور^۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۴/۱۵

تاریخ تأیید: ۹۵/۰۸/۱۲

دانش آموخته کارشناسی ارشد معارف قرآن دانشگاه مفید

چکیده

سید جمال الدین اسدآبادی عالم دینی و مصلح اجتماعی سده اخیر جهان اسلام است که دغدغه اصلاح و حل مشکلات و نابسامانی‌های جامعه اسلامی را داشت. مبنای وی برای درمان و برون رفت از انحطاط جوامع اسلامی، حضور مؤثر آموزه‌های قرآنی در تمام شئون اجتماعی و «بازگشت به قرآن» بود و با این رویکرد دستورهای زندگی سعادت‌مند دنیوی و اخروی بشر را از قرآن استنباط کرد. از این رو گرایش وی در تفسیر قرآن «گرایش اجتماعی» بود که از آیات قرآن پیامی برای آسایش و پیشرفت زندگی انسان معاصر به ارمغان آورد. آرمان اصلاحی سیدجمال تشکیل جامعه اسلامی بود که وحدت بر سراسر آن حاکم باشد. وی راه وصول به وحدت در جهان اسلام را در دو بخش کلی تحلیل نمود: (۱) مقتضیات و عوامل ایجاد وحدت؛ (۲) موانع پیش روی ایجاد وحدت. وی با شیوه‌ای تحلیلی-استنادی به تفسیر آیات قرآن کریم و تبیین و بررسی این دو عامل اساسی می‌پرداخت.

واژگان کلیدی: تفسیر اجتماعی، تفسیر اصلاحی و تربیتی، تفسیر عصری، سید جمال الدین اسدآبادی

مقدمه

عرصه‌های مختلف اندیشه و عمل اسلامی هیچ‌گاه از مردان بلند همت خالی نبوده است و همواره دین پژوهان مسلمان در راه دفاع از مرزهای ایمانی و عقیدتی مردم مسئولیتی خطیر بر عهده داشته‌اند و در هر عصر و زمانی مناسب با آن دوران به جهاد و مبارزه برخاسته‌اند. بدون تردید سلسله جنبان نهضت‌های اصلاحی صد ساله اخیر سید جمال الدین اسدآبادی است. او بود که بیدارسازی را در کشورهای اسلامی آغاز کرد، دردهای اجتماعی مسلمین را با واقع‌بینی خاصی بازگو کرده و راه اصلاح و چاره‌جویی را نشان داد. (مطهری: ۱۳۸۵: ۲۴ / ۳۵ - ۴۰)

سید جمال‌الدین برای جهان اسلام شخصیتی جامع‌الاطراف بود، یعنی در یک زمان هم متفکری بزرگ، هم مصلحی دینی و هم رهبری سیاسی محسوب می‌گردید. (حلبی: ۱: ۳۹/۱۳۷۱)

1. Email: asdaghpoor@gmail.com

در طول تاریخ، همیشه دربارهٔ چنین مردان بزرگی که گامی برای اصلاح، رشد و تعالی جوامع بشری برداشته‌اند، قول‌های موافق و مخالف متفاوت و متضادی مطرح بوده است؛ دیدگاه‌هایی که فاصلهٔ میان آنها از عرش تا فرش است. عده‌ای سید جمال الدین را نابعهٔ دوران، یگانهٔ دهر و مصلح بشریت می‌دانند، گروهی هم وی را نفوذی و درباری، سلفی و حتی کافر مسلمان‌نما خوانده‌اند!

به نظر نگارنده، هر انسان انصاف پیشه‌ای بهترین راه برای درک حقیقت اشخاص را مراجعه و بررسی آثار به جا مانده از آنان می‌داند که «آثارنا تدل علینا»؛ از آثار به جا مانده از آنان است که می‌توان به مبانی و گرایش‌های فکری و عملی آنان پی برد.

البته عده‌ای از محققان و نویسندگان معاصر «سید جمال الدین» را از زوایای گوناگون مورد پژوهش قرار داده‌اند: برخی، مانند آقای موثقی، با نگاه اصلاح‌گرایانه در کتاب *سید جمال الدین بیدارگر مشرق زمین* و بعضی مانند آقایان کریم مجتهدی و مددیپور با نگاهی فلسفی در کتاب‌های *سید جمال الدین و سیر تفکر جدید و مجموعه تاریخ معاصر و مبانی آن*. عده‌ای هم با ثبت وقایع تاریخی به این مهم پرداخته‌اند؛ مانند ناظم الاسلام کرمانی در کتاب *تاریخ بیداری ایرانیان*. گروهی هم گرایش‌ها و مبانی کلامی سید جمال را مورد تحقیق قرار داده‌اند؛ مانند آقایان عبدالحسین خسروپناه و محمدصفر جبرئیلی در کتاب‌های *کلام جدید با رویکرد اسلامی* و *سیری در تفکر کلامی معاصر*. هرچند برخی از دیدگاه‌های سیاسی او، مانند مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی و کوشش برای اتحاد جهان اسلام شناخته شده است، نکته‌ای که به آن کمتر توجه شده است «اندیشه و گرایش اجتماعی او در تفسیر قرآن کریم» است که در میان آراء و آثار وی نهفته است.

«تفسیر اجتماعی» یکی از گرایش‌های مهم و تأثیرگذار در دانش تفسیر قرآن کریم در دورهٔ معاصر است. (ایازی: ۱۳۸۸: ۱۴۲) سید جمال الدین اسدآبادی یکی از پیشگامان نهضت احیای دینی و اصلاح دینی و از پیشگامان بازگشت به قرآن و از مروجان تفسیر اجتماعی در دوران معاصر است. وی اندیشهٔ اصلاحی خود را با قرآن آغاز کرد و گسترش پیام‌های دینی و سیاسی‌اش را با تعلیمات اجتماعی قرآن عملی می‌دید. روش او موجهی در میان نواندیشان دینی افکند و درس‌ها و نوشته‌هایش درس‌آموز مصلحان و مبارزان فراوانی شد که بر اساس این شیوه به دنبال عرضهٔ قرآن و ارائهٔ آگاهی دینی و معنوی از بعد اجتماعی بودند. (رضوان: ۳/۱۳۸۸)

دقت و تأمل در زندگی، آثار و سخنان سید جمال ما را به این یقین می‌رساند که تمام افکار و عقاید و دیدگاه‌های او بر محور قرآن کریم می‌چرخد. او آگاهانه کوشید تا در مسیر حرکت اصلاحی خود ذره‌ای از راه قرآن منحرف نشود و در واقع قرآن را معتبرترین و محکم‌ترین مستمسک نظرات و گفته‌های خود دانست. بنابراین تفاوت و شاخصه‌های سبک تفسیری او با مفسران پیشین و معاصرانش و همین‌طور تأثیری که سبک تفسیری سید جمال بر روش تفسیری شاگردان و مفسران بعد از خود داشته است، بسیار مهم و قابل تأمل و توجه است.

برای تبیین مسأله، در دوران معاصر، متفکران اسلامی در دفاع عقلانی از دین و پاسخگویی به شبهات معاندان و مخالفان، بسیار تلاش کرده‌اند. در این میان، مفسران نیز مانند دیگر متفکران و مصلحان اسلامی، دعوت بازگشت به قرآن را وجهه همت خود قرار داده تنها راه‌هایی مسلمانان از انحطاط و عقب ماندگی را رجوع به قرآن و به کار بستن رهنمودهای سعادت بخش این کتاب آسمانی معرفی می‌کنند. بدون شک، سلسله جنبان نهضت‌های اسلامی و اصلاحی صد ساله اخیر سید جمال الدین اسدآبادی است؛ او بود که بیداری اسلامی را برای کشورهای اسلامی به ارمغان آورد. اکنون این پرسش مطرح است که او در تفسیر که به صورت پراکنده در میان نوشته‌ها و مقالات عرضه کرده است، چه آرای را مطرح کرده است و مبنا و روش وی در تفسیر بر چه منهجی بوده است.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، درباره شخصیتی چون سید جمال‌الدین، آثار زیادی تألیف گردیده است و در بیشتر آن‌ها به ابعاد مختلف زندگی وی پرداخته شده است؛ مانند زندگی نامه، سفرها و نامه‌نگاری‌ها، دفاع از اتهاماتی که متوجه وی بوده است و همچنین بعد اجتماعی و میزان تأثیرگذاری و عملکرد اجتماعی سید جمال‌الدین در پایه‌گذاری نهضت‌های بیداری اسلامی. ولی آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته است نقش و جایگاه قرآن کریم در اندیشه و نظام فکری سید جمال‌الدین است. در این مقاله تلاش داریم نقش و جایگاه قرآن کریم را در اندیشه‌های سید جمال و همچنین تأثیر سید جمال را بر ابداع نگرش نوین در تفسیر قرآن با گرایش جامعه گرایانه بررسی کنیم و آراء تفسیری وی را به شکلی جامع و نظام مند جمع‌آوری و تحلیل نماییم.

در این پژوهش اصلی‌ترین سوال این است که آراء تفسیری سید جمال‌الدین اسدآبادی

چیست و نوع نگرش و نحوه استنباط او از آیات قرآن کریم بر چه منهجی استوار است؟

۱. آراء تفسیری و ابعاد اجتماعی آن در آثار سید جمال الدین

تفسیر اجتماعی به معنای خضوع در برابر مفاهیم اجتماعی و نیازهای واقعی عصر حاضر است. بر مبنای این توضیح مفسر می‌کوشد رابطه و همگونی بین هدف دینی و هدف اجتماعی ایجاد کند. به عبارت دیگر، مفسر اجتماعی، در این روش، می‌کوشد بین نظریه قرآن در زمینه مسائل اجتماعی هماهنگی برقرار کند؛ زیرا مفسر حیات سالم جامعه بشری را براساس نظریات قرآنی امکان‌پذیر می‌داند. بدین جهت، نظریاتی را در زمینه مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی ارائه می‌دهد. (ایازی، ۱۳۷۳: ۳۶)

سید جمال الدین اسدآبادی براساس ارزش‌های معنوی به موضوعات اجتماعی، به ویژه رابطه دین و جامعه و تبیین بایسته روابط انسان‌ها با دیگران می‌پردازد. محورهایی که او با تکیه بر آن‌ها می‌کوشد نکات و آموزه‌های اجتماعی را در قرآن نشان دهد عبارت‌اند از:

۲. قرآن و وحدت جهان اسلام

سید جمال برای ایجاد نهضت «اتحاد اسلامی» بسیار تلاش کرد. او قصد داشت با ایجاد اتحاد بین دنیای اسلام جریانی قدرتمند در برابر سیل رو به رشد استعمار ایجاد شود. (عنایت: ۱۳۸۵: ۹۸) می‌توان گفت که آرمان اصلاحی سید و جامعه ایدئالش در جامعه اسلامی خلاصه می‌شود که «وحدت بر سراسر آن حاکم» باشد. (مطهری: ۱۳۸۵: ۴۴/۲۴) از این رو سید جمال مقاله‌ای با عنوان «وحدة الاسلامیة» در مجله العروة الوثقی به چاپ رساند که با این آیه شریفه آغاز می‌شود: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال: ۴۶)، «و فرمان خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و نزاع نکنید که سست شوید و قدرت و شوکت شما از میان برود!» سید جمال یکی از عوامل ضعف ملت‌های اسلامی را قبیله‌گرایی و نزاع‌ها و جنگ‌های بی‌هوده داخلی معرفی می‌کند و یکی از اسباب انحطاط و عقب‌ماندگی و چیرگی دشمنان در آنان برمی‌شمرد.

مقاله سید ابتدائاً به تاریخ شکوهمندی گریزی می‌زند که اسلام و مسلمین در آن عصر به اوج شکوفایی و بالندگی علمی و فرهنگی و سیطره حکومتی رسیدند و ولایت اسلام و قرآن برسر بیشتر مناطق کره زمین سایه داشت و برای مردم پیشرفت علمی و صنعتی به ارمغان آورده بود. این درحالی بود که عده مسلمانان در آن دوران از ۴۰۰ میلیون تجاوز نمی‌کرد. (حسینی اسدآبادی، ۱۴۲۳ق: ۱/ ۱۳۲، ۱۳۱) این پیروزی‌ها و پیشرفت‌ها به دلیل این

بود که دل‌های مسلمین از عقاید دینی اشراب شده بود و از مرگ هراسی نداشتند و شجاعانه به سوی مرگ گام برمی‌داشتند. به همین دلیل در حیات دنیا قوی‌ترین مردمان بودند. آنان بواسطه آیات محکم قرآن، عقایدی برهانی را سرلوحه اندیشه و رفتار خود قرار داده بودند و از ظن و وهم احتراز داشتند و هم‌تشان نائل آمدن به کمالات انسانی بود. این تفکر به دلیل رسوخ معارف عالیّه دینی در قلوب آنان بود و به همین خاطر به اعلا مرتبه علم و فضل در عنفوان دولتشان نائل آمدند. (همان: ۱۳۳)

سید پس از بیان امتیازات و مفاخر دوران شکوهمند گذشته، به بیان حال مسلمانان و ممالک اسلامی در عصر خود می‌پردازد و پس از یادآوری مشکلات جامعه و عقب ماندگی‌ها، راه چاره را این گونه بیان می‌کند:

«اگر مسلمانان در آن عصر به شکوفایی و شوکت رسیدند به دلیل عقایدی بود که از سرچشمه اصیل قرآنی بر دل و جان مسلمانان اشراب شده بود و مسلمین به آن وعده‌هایی که در کتاب صدق الهی بشارت داده شده بود ایمان داشتند و همین ایمان و اعتقاد راسخ، دل‌های آنان را به یکدیگر نزدیک و همّت‌های آنان را عالی نموده بود... شما نیز همان اسلام، همان قرآن و همان عقاید را در اختیار دارید و تنها راه چاره بازگشت و عمل و ایمان به آیات الهی و قرآن کریم است.» (همان: ۱۳۴، ۱۳۶)

سید جمال مراد خود از وحدت میان جوامع اسلامی را چنین بیان می‌کند:

«مراد من از این وحدت در جوامع اسلامی این نیست که همه تحت فرمان شخص واحدی اجتماع کنیم، بلکه امید دارم سلطان در همه ممالک اسلامی «قرآن» باشد و «دین» جهت «وحدت» میان مسلمانان باشد.» (همان: ۱۳۷)

به عقیده نگارنده، این اندیشه و این تعریف سید جمال از «وحدت» در میان جوامع اسلامی همچنان زنده و پویاست؛ زیرا وحدت به معنای عقب نشینی و دست برداشتن از اصول اعتقادی خویش نیست، بلکه مراد از وحدت، نگاه به مشترکات با حفظ اصول فکری است. از آن جا که دست‌های آشکار و پنهان استعمار در تحریک افراط‌گرایی در فرقه‌های مذهبی به وضوح دیده می‌شود، وظیفه عقلا و نخبگان و صاحبان قلم و اندیشمندان جامعه اسلامی در این برهه از تاریخ به مراتب سنگین‌تر و سرنوشت‌ساز است؛ زیرا با روشنگری و تبیین خط فکراعتدالی و تقریبی و بینش بخشی به آحاد جامعه، موجب بصیرت‌افزایی و واقع‌نگری میان مسلمین شده، باعث می‌شوند که مسلمین از سطحی‌نگری که موجب بروز عکس‌العمل‌های عجولانه و

افراط‌گرایانه است پرهیز کنند. در این میان فقط استعمارگران و دشمنان‌اند که کمال سوء استفاده را از این گونه عملکردهای عجولانه می‌کنند و شرایط را به نفع خود مدیریت می‌نمایند. آنچه از این نزاع‌های داخلی بر پیکره رشید جامعه اسلامی باقی می‌ماند زخم‌ها و جراحات‌هایی است که شکوه و عزت و سربلندی آن را مخدوش و نابود می‌کند.

سید در جایی دیگر می‌نویسد:

«خداوند به وحدت کلمه میان مسلمانان امر می‌کند و می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ» (آل عمران: ۱۰۵)، «و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند پس از آن که نشانه‌های روشن پروردگار به آنان رسید» و همه با روح وحدت ایمان پیرو فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع که موجب تفرق اسلام است نپویید که بر اثر تفرقه ضعیف شوید و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد.» (الأفغانی، ۱۹۸۰: ۱۱۶-۱۱۷)

در واقع، می‌توان گفت: «سید هم به وحدت سیاسی اعتقاد داشت و هم به وحدت عقیدتی. البته وحدت در عقیده را مبنای وحدت در امور سیاسی تلقی می‌کرد. از نظر او وحدت اعتقادی باید حول محور قرآن شکل گیرد و مسلمانان باید از هر قوم و ملیتی که هستند بر اساس مشترکات خود که مهم‌ترین آن قرآن است اتحاد پیدا کنند. (جمالی، ۱۳۴۹: ۳۸)

سید جمال در راه وصول به وحدت در جهان اسلام به دو بخش کلی اهتمام داشت: (۱) مقتضیات و عوامل ایجاد وحدت و (۲) موانع پیش روی ایجاد وحدت. او هم‌زمان به هر دو محور توجه داشته و بر اساس تئوری ایجاد وحدت زیر سایه بازگشت به قرآن همواره کوشید تحت تعالیم قرآنی زمینه عوامل ایجاد کننده وحدت را فراهم آورد و موانع پیش رو را رفع کند. تفصیل عوامل و موانع ایجاد وحدت به شرح زیر است.

۳. مقتضیات و عوامل ایجاد کننده وحدت:

۳-۱. هویت بخشی و روحیه خود باوری مسلمانان

یکی از اقدام‌های فکری مهم سید جمال، که در راه رسیدن به آن بسیار کوشید، «هویت بخشیدن به جوامع اسلامی» بود. جوامع اسلامی، هم‌زمان با بیداری فکری و صنعتی غرب، نه تنها از رقابت با اروپاییان بازماندند، بلکه از سرعت رشد و توسعه آنان بی‌خبر بودند. پیشرفت و توسعه غرب دو چهره دوگانه داشت: در یک سو، تمدن و پیشرفت و توسعه و در سوی دیگر، سلطه و استعمار. ملت‌های اسلامی پس از برخورد نخستین، در برابر این جریان،

واکنش‌های متفاوتی از خود نشان دادند. عده‌ای به «خودباختگی» یا «غرب شیفتگی» دچار گشته خواهان نفی سنت‌ها و تاریخ گذشته خود شدند و عده‌ای هم به تاریخ و فرهنگ جوامع اسلامی دل خوش کرده بودند و راه مبارزه مستقیم نظامی با غرب را در پیش گرفتند. درحقیقت، هنگامی که این تناقض‌ها در جوامع اسلامی به اوج خود رسیده بود، سید جمال وارد عرصه فکری و سیاسی و اجتماعی دنیای اسلام شد. سید در برابر دو دیدگاه افراطی غرب شیفتگی و سنت‌گرایی محض، به این نتیجه رسید که نباید در برابر غرب خود باخته شد و نه این‌که به طور کامل دستاوردهای علمی و فنی آن را طرد کرد، بلکه وی به این نتیجه رسید که اگر مسلمانان به خود آگاهی فرهنگی و تاریخی برسند و از فرهنگ و دین و معارف درست و اصیل آگاه شوند، هویت تاریخی خود را باز می‌یابند. (جمالی اسدآبادی، ۱۳۶۰: ۷۸، ۷۹)

سید با توجه به سه محور به مسأله هویت بخشی می‌پردازد:

۲-۳. نگاه به درون

محوری‌ترین توجه سید در هویت بخشی «نگاه به درون» بود. او معتقد بود که باید مسلمانان را از درون به مقابله و سازندگی و خروج از بحران و شرایط ایجاد شده توانا کرد. شعار «بازگشت به اسلام» و «بازگشت به قرآن»، یا «احیای سنت سلف صالح» و تقویت بنیادهای اخلاقی و انسانی در مسلمانان، به منظور هویت بخشیدن به مسلمانان بود.

سید جمال کوشید تغییر و تحول را به گفته خودش از «عقول» و «نفوس» (افکار و اخلاق) مردمان آغاز کند و با این تحول، هویت تازه و واقعی به آنان ببخشد. (همان: ۱۴۲)

وی با درونی نمودن عناصر رهاننده، قصد داشت مسلمین را متوجه این حقیقت کند که شما در کنار چشمه آب حیات هستید و در عین حال از آن بی‌بهره‌اید و در رنج و تعب به سر می‌برید، «عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ» (مائده: ۱۰۵) بر شما باد خودتان و توانایی‌ها و استعدادهاى خدادادى که نعمت‌های خداوند بر شما که در قرآن کریم فرمود: «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا» (ابراهیم/۳)، «و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، هرگز آنها را شماره نتوانید کرد». خویشتن را اندک و قلیل مپندارید که نعمت‌های خدا درباره شما قابل شمارش نیستند.

به نظر می‌رسد که هدف اساسی جمال‌الدین احیای روح وحدت اسلامی زیر سایه بازسازی هویت مسلمین بوده است و در مجموع می‌توان گفت که سید با الهام از قرآن معتقد به تحول از درون بود. لذا در عین دشمنی و ستیزه بی‌امان با استعمار، هرگز استعمار را تنها عامل انحطاط مسلمانان و مسئول واپس ماندگی آنان نمی‌دانست.

۳-۳. رجوع به سیره سلف صالح

یکی از عقایدی که به نظر سید قوام ملت‌ها و پایداری هیئت اجتماعی آنان برآن استوار است یقین داشتن به این است که امت او اشرف امم است و غیراو همه بر باطل و برضالند. (اسدآبادی، ۱۳۵۶: ۱۶۱) این اعتقاد به روشنی هرگونه سلطه و قدرت بیگانگان بر امت اسلام را نفی می‌کند و تداعی کننده «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران/۱۹) است، «به درستی که دین نزد خدا همان اسلام است.»

بازگشت مسلمانان به اسلام نخستین از نظر سید به معنای بازگشت به قرآن و سنت معتبر و سیره سلف صالح است. (مطهری، ۱۳۸۵: ۳۶/۲۴) اما روشن است که سلف صالح نه عقیده و هابیت است و نه اهل حدیث و اخباریون؛ زیرا سید فیلسوف و عقل‌گراست. منظور از سلف صالح بازگشت به عصر پیامبر در توجه به قرآن و آموزه‌های اسلامی در اتکای به خود و حرکت و پویایی و تلاش و جهاد و عزت و عدم اتکای به دشمنان است. از این رو سید جمال برای احیای هویت دینی و خودباوری مسلمانان در جای‌جای مقالات و سخنرانی‌هایش از علما و بزرگان ذوالفقون در شرق و غرب عالم اسلام یاد می‌کند که هر کدام علم و فضلشان منبع فیض برای کل بشریت بوده شهرتشان شرق و غرب کره خاکی را پر کرده است و مدام بر تاریخ شکوهمند و سراسر فتح و ظفر و عزت و شرف مسلمانان تأکید کرده از آن عبرت‌ها استخراج می‌کند. (حسینی اسدآبادی، ۱۴۲۴: ۱۳۰/۱-۱۳۴)

سید در جایی دیگر، از سلف صالح مسلمانان چنین یاد می‌کند:

«... نعم البخاری و مسلم و النیسابوری و الترمذی و ابن ماجه و ابو داود و البغوی و ابوجعفر البخاری و الکلبی... خواجه نصیر الدین طوسی و الأبهری، ابوبکر الرازی الطیب الشهیر، أبوعلی بن سینا الفیلسوف الشهیر و شهاب الدین المقتول... عضد المله و الدین و غیرهم من علماء الکلام و الأصول ممن تفتخر بهم بلاد فارس و هم فخر المسلمین...» (حسینی اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۱۷۴/۱)

نکته قابل توجه این است که دیده می‌شود سید جمال برای ایجاد روحیه خودباوری، هنگام برشمردن علمای بزرگ هم بزرگان از شیعه و هم از علمای اهل تسنن به نیکی و بلند مرتبگی یاد می‌کند و آنان را- بدون توجه به گرایش فرقه‌ای‌شان- مثال و الگویی برای جوانان و فرهیختگان دنیای اسلام معرفی می‌کند که نکته قابل توجهی است. او با این شیوه قصد دارد اهل دانش را متوجه این معرفت قرآنی کند که شما مؤمن به دین واحدی هستید که به فرموده آیه شریفه قرآن در حکم برادرید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰)، «مؤمنان با هم برادرند» و همانند دو بازو بر یک پیکر می‌مانید.

۳-۴. فراگیری علوم و فنون جدید

سید بر این عقیده بود که مسلمانان ناچارند از علوم و دانش جدید و تجارب امروز سود جویند و از غرب اقتباس کنند. اما پیش از آن لازم است مسلمانان اسلام را به مثابه یک نظام اخلاقی، اجتماعی و سیاسی قبول کنند و به کار بندند و از فساد، جهل و تباهی نجات یابند. (مقالات جمالیه: ۱۰۶) در واقع، سید جمال الدین میان مدرنیته و غرب جدایی می‌افکند، سپس مدرنیته غیر غربی را می‌جوید. بنابراین، بازتفسیر آیین اسلامی در اندیشه سید جمال الدین به بازسازی هویتی مدرن، منتها غیر غربی، می‌انجامد و این گونه، مدرنیسم اسلامی به مثابه هویتی متمایز و مستقل از هویت غربی، پاسخ سید جمال به بحران جوامع اسلامی در قرن نوزدهم است. (توانا، ۱۳۸۵: ۹۷)

۳-۵. نقش علما و رهبران دینی

با توجه به نقش و جایگاه بلندی که سید جمال برای دین، عقل، علم، اخلاق، عدالت و امامت و رهبری در میان جامعه و امت قائل بود، نخبگان جامعه را از علمای دین و متفکران و معلمان علوم عقلی و معارف و... در رأس نیروهای اجتماعی طرفدار تغییر و تحولات اجتماعی و سیاسی سازنده قرار داد؛ اما قائل بود که بیشترین نقش و تأثیر در جامعه اسلامی - اعم از شیعه و سنی - توسط علما و رهبران دینی ایجاد می‌گردد. بنابراین، امر اصلاح را موقوف به اصلاح روحانیون و رؤسای دین می‌دانست. (موثقی، ۱۳۷۳: ۴۱)

اهمیت و ضرورت اجتهاد، علما و متفکران جامعه اسلامی و نوآوری‌های آنان اقتضا می‌کرد که سید جمال نقد و انتقاد علمی را به دور از هر گونه تعصب، تقلید و تبلیغ مطرح کند و از علما و متفکران شیعه و سنی جهان اسلام بخواهد که با گشودن این راه و باز کردن باب اجتهاد و انطباق مسائل با علوم عصر و نیازهای هر دوره، به حلّ معضلات اساسی فکری و اجتماعی مسلمان و رفع نارسایی‌ها و نابسامانی‌های داخلی و مسئله عقب ماندگی (به ویژه با توجه به هجوم استعمار غربی و ورود تفکر جدید و سیاست و اقتصاد سرمایه داری غربی و خلاصه مسئله غرب)، پرداخته به وظایف خویش عمل کنند و مسئولیت سنگین حفظ و صیانت حوزه دین و بقای امت اسلام را به نحو احسن به انجام رسانند. (همان: ۴۲)

۳-۶. تحکیم روابط بین دولت‌های اسلامی

سید جمال الدین یکی از عوامل حل معضلات مسلمین را در حضور علمای جلیل و سلاطین مقتدر معرفی می‌کرد. (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۳۱) او امرای ممالک اسلامی را به تأمل در

آیات قرآن فرا می‌خواند و می‌گوید: «ای امرای بزرگ، شما را با این کسانی که بیگانه از شما بمانند چه کار؟ ﴿هَآأَنْتُمْ أَوْلَآءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ﴾ (آل عمران/۱۱۹)، «شما همان کسانی هستید که آنان را دوست دارید، حال آن که آنان شما را دوست ندارند» و حالشان را دانستید و شکی در موردشان باقی نماند ﴿إِنْ تَمَسَسْتُمْ حَسَنَةً تَسُوهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا﴾ (آل عمران/۱۲۰)، «اگر به شما خوشی رسد، آنان را ناخوش آید و اگر به شما گزندی رسد، بدان شاد شوند»، به سوی فرزندان خویش و برادران دین و ملت خود بیایید. (گودرزی، ۱۳۸۳: ۱۷۴)

سید به تاسی از قرآن به مسلمانان نصیحت می‌کند که دشمنان خدا را دوست خود قرار ندهند. ﴿لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَآءَ تُلْفُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُؤَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ﴾ (ممتحنه/۱)، «دشمن من و دشمن خودتان را اولیا مگیرید، در حالی که فراسویشان با مودت می‌افکنید، حال آن که بی‌گمان به آن حقیقت که برایتان آمده کافرند». دشمنان خدا پیوسته در کمین‌اند تا نقشه‌های شوم خود را علیه مسلمانان عملی کنند ﴿لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا﴾ (آل عمران/۱۱۸)، «از غیر خودتان هم‌رازی برمگیرید. (انان) از هیچ (کار) نابکار آشوبگری، در حق شما کوتاهی نمی‌نمایند»؛ پس شایسته است که امت اسلامی به این امر واقف باشد و فریب نخورد. (الأفغانی، ۱۹۸۰: ۱۵۷)

البته مقصود و هدف سید جمال‌الدین این نبود که حکومت‌های اسلامی حکومت واحدی را تشکیل بدهند، بلکه باید به اوضاع و احوال یکدیگر آشنا شده و در کارها با هم همکاری نمایند. (مدرسی چهاردهی، ۱۳۵۳: ۳۱۰) و هر صاحب ملک و مملکتی سعی در حفظ دیگر ممالک اسلامی داشته باشد؛ زیرا حیات و بقای جوامع اسلامی در گرو حیات و بقای یکدیگر است و اگر هر یک از مسلمانان به حکم خدا در قرآن ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ (حجرات/۱۰) به مسلمانان دیگر به چشم برادر بنگرد و به وحدت و همبستگی قیام کند، به واسطه این همدلی و همبستگی سدی ایجاد خواهد شد که سیل‌های شکننده را از هر طرف از جوامع اسلامی دفع خواهد نمود. (حسینی اسدآبادی، ۱۴۲۳ق: ۱/۱۳۲)

از نظر سید جمال، «اتحاد» خودآگاهی نسبت به منافع مشترکی است که برتری و عظمت را به ارمغان می‌آورد. (العروة الوثقی: ۹۸)

۷-۳. دمیدن روح مبارزه و آمادگی دفاعی

اما اینکه در قرآن کریم به آمادگی دفاعی دستور اکید داده شده است: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَّا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ (انفال/۶۰)، «هر نیرویی دارید برای مقابله با آنها [دشمنان] آماده سازید»،

به طور قطع، هدف جنگ و خونریزی نیست، بلکه همان گونه که در بخش بعدی آیه آمده است: «تَرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»، «تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید» دستور خدا برای اعلاء و آماده کردن قوای نظامی برای جنگ و کارزار و خونریزی نیست، بلکه فقط برای ارعاب و به وحشت انداختن و ترس ایجاد کردن در دشمن است تا آنان که به دنبال جنگ و خونریزی هستند، بترسند و از قتل و کشتار مردم خودداری کنند. (حسینی اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۱۳۶/۶)

اتفاقاً این روش تکثیر عده و عده و آماده کردن توان و قوه اگر به قصد بازدارندگی باشد، نه جنگ و خونریزی، خود بهترین و اثر گذارترین راه و وسیله برای جلوگیری از جنگ و خونریزی است. (همان: ۱۳۷) با توجه به اینکه مراد از کلمه «تَرْهَبُونَ»، «بازدارندگی» است. مراد آیه شریفه از آمادگی دفاعی و جمع آوری نیرو و قدرت خویش به نحوی است که توان بازدارندگی ما را در مقابل دشمنان افزایش بدهد و صرفاً با هدف جنگ و خونریزی نیست. این بازدارندگی توان دفاعی را باید به حدی از آمادگی رساند که دشمنان حتی فکر تعدی و دست‌درازی به کشورهای اسلامی را نکنند.

سید تصریح می‌کند که سستی و کوتاهی در تهیه توان و قوه دفاعی موجب از بین رفتن ملک و فرو افتادن در قعر خطر است و خداوند با آیه «وَأَعِدُوا لَهُمْ» به آماده بودن امت و دولت اسلامی دستور داده است. (حسینی اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۱/ ۱۸۵-۱۸۶) او می‌خواست روح مبارزه و جهاد را به کالبد نیمه جان جامعه اسلامی بدمد و غیرت اسلامی را به جوش آورد و اصل فراموش شده جهاد را احیا کند. او فراموش شدن این اصل را عامل بزرگی برای انحطاط مسلمین تلقی می‌کرد. (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۱/۲۴) به نظر سید جمال، مسلمانان در برابر حکومتی که مصمم به نابودی اسلام است، راهی جز توسل به زور ندارند. (عنایت، ۱۳۸۵: ۸۴)

۴. موانع پیش‌روی ایجاد وحدت

۴-۱. جهل و خرافات

یکی از مسائل دغدغه برانگیز مصلحان اجتماعی رواج خرافات در جوامع است. (ایازی، ۱۳۸۸: ۱۵۷) یکی از برجسته‌ترین شاخصه‌های اندیشه اصلاحی حساسیت در مبارزه با خرافات است. سید جمال دربارهٔ مقابله با خرافات می‌گوید: «باید لوح عقول امم و قبایل از کدورات خرافات و زنگ‌های عقاید باطله همیشه پاک بوده باشد، زیرا آنکه عقیده خرافیه حجابی است کثیف که علی‌الدوام حائل می‌شود؛ میان صاحب آن عقیده و حقیقت واقع می‌شود و او را

باز می‌دارد از کشف نفس الامر؛ بلکه چون خرافاتی را قبول کرد، عقل او را وقوف حاصل شد و از حرکات فکری سرباز زد، پس از آن حمل مثل بر مثل کرده، تمام خرافات و اوهام را قبول خواهد نمود و این موجب آن می‌شود که از کمالات حقّه دور افتد.» (حسینی اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۵/ ۱۰۱)

سرلوحه آموزه‌های ادیان الهی، به ویژه اسلام، مبارزه با خرافات است. پیامبران تلاش بسیار کردند تا به انسان‌ها نشان دهند که چه چیزهایی را حقیقت بدانند و از چه چیزهایی حذر کنند. (ایازی، ۱۳۸۸: ۱۵۸) سید در جایی می‌نویسد: «اگر در ادیان غور نماییم، هیچ دینی نخواهیم دید که مانند اسلام بر اساس محکم متقن نهاده شده باشد... دین اسلام، اول رکن او این است که عقول را به صیقل توحید و تنزیه از زنگ خرافات و کدر اوهام و آرایش وهمیات، پاک سازد. خرافاتی که هر یک به انفراد، برای کوری عقل کافی است.» (همان)

از سوی دیگر، سید خاستگاه خرافات را جهل مردم می‌دانست، ولی رواج خرافات را گاه ناشی از دست‌های پشت پرده استعماری و قدرتهای استبدادی در جهت مشغول کردن جامعه و بی‌توجهی به واقعیات اطراف خود معرفی می‌کند و هدف ترویج این خرافات را اضلال و سست کردن پیوندهای عمیق و اصیل اعتقادی مردم می‌داند و به آن‌ها بیشتر حساسیت نشان می‌دهد. «مستبد همیشه می‌خواهد رعیت در تاریکی «جهل» بماند و هرگز به نور علم منور نگردد... مستبد همواره از علم هراسان است و نمی‌خواهد در مملکتی رواج گیرد...» (حسینی اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۲۲۷/۴)

بنابراین، به تصریح سید، یکی از بزرگ‌ترین عوامل چیرگی غرب و استعمار بر جهان اسلام جهل و نادانی مسلمانان بوده است. از این رو، او پیوسته مسلمانان را دعوت به بیداری، خرافه‌زدایی و خردورزی می‌کرد. (عمار، ۱۴۳۷: ۹۶)

۲-۴. استعمار خارجی و استبداد داخلی

سید جمال‌الدین نفی سلطه بیگانه بر مسلمانان را از اصول مسلم قرآنی می‌داند. به نظر او، اساس دیانت اسلامی بر عزت و شوکت و نفی هر قانون و قدرتی است که مخالف شریعت اسلام باشد. (الأفغانی، ۱۹۸۰: ۶۶)

احمد امین می‌گوید: «سید جمال‌الدین هدف اصلی خود را بر این گذاشته بود که کشورهای اسلامی را از زیر بار سلطه استعمارگران نجات دهد.» (امین، ۱۴۲۶: ۱۰۶)

رمز پیروزی سید جمال‌الدین شناخت دقیقی بود که از زمان داشت و عامل عقب ماندگی مسلمانان را در پشت کردن به قرآن و رفتن زیر بار هر ظالم و بالاخره تن دادن به استعمار خارجی می‌دانست. (حلبی، ۱۳۷۱: ۲۸۷)

هدف سید جمال الدین آزاد سازی اسلام از نفوذ بیگانگان بود و راه آن را در سیاست و مبارزه می دانست. مبارزه با استعمار خارجی اعم از استعمار سیاسی که در مسائل داخلی کشورهای اسلامی دخالت می کرد و استعمار اقتصادی که منجر به کسب امتیازات ظالمانه و غارت کردن منابع مالی و اقتصادی جهان اسلام می شد و استعمار فرهنگی که به فرهنگ زدایی از مسلمانان می پرداخت و آنها را به داشته هایشان بی اعتقاد می کرد و برعکس، فرهنگ غربی را یگانه فرهنگ انسانی و سعادت بخش معرفی می کرد تا جایی که به برخی روشنفکران مسلمان القا کرد که اگر شرقی می خواهد متمدن شود، باید از فرق سر تا ناخن پا فرنگی شود.

سید طرح همبستگی دین و سیاست را برای دو جبهه لازم می دانست: جبهه مبارزه با استبداد داخلی و جبهه استعمار خارجی. او کوشش فراوان داشت که شعور مذهبی مسلمانان را برای مبارزه با استبداد و استعمار بیدار سازد و برای این برنامه، نسبت به هر برنامه اصلاحی دیگر، حق تقدم قائل بود. (مطهری، ۱۳۸۵: ۳۶/۲۴ - ۴۲)

از نگاه نگارنده، توجه به این نکته مهم است که مفسر اجتماعی همیشه به دنبال راه حلی برای مشکلات جامعه است و در پی راهکاری برای برون رفت از انحطاط و عقب ماندگی است. سید جمال الدین آگاه به شرایط و زمان خویش بود و می دانست تا زمانی که اتحاد جامعه زیر سلطه استبداد داخلی و فشارهای استعمار خارجی به سر می برند همیشه در انحطاط و عقب گرد و سقوط در فساد و تباهی خواهند بود. لذا با دغدغه اصلاح دردهای جامعه خویش با گرایشی اجتماع گرایانه به قرآن می نگریست و سعی داشت راهی برای نجات مسلمانان و پیشرفت زندگی آنان و رفاه و آسایش در سایه سعادت بخش قرآن بیابد. بنابراین، در گرایش اجتماعی سید جمال در تفسیر، توجه به این دو معضل اجتماعی (استعمار و استبداد) حائز اهمیت بوده است تا با برطرف نمودن آنها، گامی برای ایجاد تقرب و وحدت اسلامی برداشته شود.

۳-۴. حب و حرص دنیا

سید جمال جدایی و تفرقه میان مسلمانان را حاصل اسراف کاری، رفاه زدگی و توجه به زرق و برق امور دنیوی می دانست و می گفت: «آن چیست که اندیشه ها را از حرکت باز داشته و همت ها را از اینکه به پا خیزند به پای نشانده است، جز همان اسراف کارانی که به طعام خوش و خوابگاه نرم و ملایم حرص فراوان دارند و در بنا و عمارات دست درازی می کنند و به خدمه و نوکرهای خویش افتخار می نمایند.» (گزیده العروة الوثقی: ۱۱۵)

به نظر سید جمال، یکی دیگر از عوامل خود باختگی جامعه در مقابل دشمنان دنیازدگی و حرص به دنیاست. سید جمال می‌داندست که با وجود این رذیله اخلاقی، بیداری اسلامی و وحدت میان مسلمانان به ثمر نخواهد نشست؛ زیرا لازمه به وجود آمدن وحدت، در بسیاری از موارد با رفاه‌طلبی و منفعت‌طلبی فردی در تعارض است. لذا سید کوشید با استناد به منابع اصیل و آیات قرآن، جامعه مسلمین را از این خصلت مضر آگاه سازد.

۵. دسته‌بندی نکات تفسیری سید جمال

می‌توان نکات تفسیری سید را به این صورت دسته‌بندی کرد که آراء سید جمال حول دو محور سلبی و ایجابی در دوران است؛ یعنی وی به‌عنوان مصلحی اجتماعی قصد دارد دو کار اساسی در رابطه با قرآن کریم انجام دهد:

اول: دور کردن آفت‌ها و سلب اندیشه‌های باطل و خرافی و غیر منطبق با متون دینی و تفسیرهای به رأی در میان معارف دینی.

دوم: ایجاد زمینه رشد و تعالی در پرتو تعالیم قرآن و حضور هر چه بیشتر و مؤثرتر قرآن در عرصه اجتماعی.

همه مصلحان عالم اسلام، از سید جمال اسدآبادی تا امام خمینی (ره)، متمسک به قرآن بوده‌اند و همواره از اهمیت سلسله جنبانی و شورانگیزی و دگرگون سازی قرآن سخن گفته‌اند. اعتنای عامه و خاصه مسلمانان، به ویژه روشنفکران دینی و رهبران اصلاح، به قرآن چندان وسیع و عمیق است که شاید بتوان آن را کشف مجدد قرآن، یا بازگشت مجدد قرآن به صحنه زندگی اجتماعی و فردی مسلمانان نامید. (خرمشاهی، ۱۳۶۳: ۳۴، ۳۵)

از آنجا که سید جمال مفسری با دغدغه مسائل اجتماعی بود، با همین مبنا به سراغ قرآن رفت و به گرایش «تفسیر اجتماعی» از قرآن متمایل شد. تفسیر اجتماعی یکی از گرایش‌های مهم و اثرگذار در تفسیر قرآن کریم در دوره معاصر است. نقطه تمرکز این اندیشه و گرایش تحول اندیشه مفسران از دیدگاه فردی و اخروی به دیدگاه اجتماعی است. بر این اساس، آنان در پی ارائه راه حل مشکلات مادی و معنوی جامعه از قرآن هستند. در این گرایش، تفسیرهایی به وجود آمده‌اند که راه و رسم زیستن حیات معنوی را در ابعاد مختلف اجتماعی نشان داده‌اند و در تکاپوی طرح پرسش‌ها و شبهه‌ها و پاسخ‌هایی بوده‌اند که این کتاب را مبنای تدوین قوانین و

اصول حاکم بر جامعه قرار می‌دهد. این مفسران، مصلحان و احیاگران دینی بودند که راه حل مشکلات و رفع انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان را در بازگشت به قرآن می‌دانستند؛ بازگشتی که به شناخت تعالیم و پیام‌های حیات بخش و دگرگون سازی جامعه مسلمانان بینجامد و قرآن در متن زندگی آنان قرار گیرد. (ایازی، ۱۳۸۸: ۱۴۲)

در قالب یک مثال، می‌توان گفت که اگر علم تفسیر را به یک درخت تشبیه کنیم، مبنای فکری مفسر حکم ریشه‌های این درخت را دارد که تأمین کننده مواد اولیه و علت ثبات این درخت هستند. گرایش مفسر هم همانند تنه درخت است و روش تفسیری وی همانند شاخه‌های آن است. با این مقدمات، آراء و آثار تفسیری مفسر همانند میوه و محصول این درخت است.

حال، با نگاه به آثار تفسیری سید جمال الدین می‌توان گفت:

- مبنای تفسیری سید جمال بازگشت و رجوع به قرآن است.

- گرایش تفسیری سید جمال گرایش تفسیر اجتماعی است،

- روش تفسیری سید جمال مرکب از روش تحلیلی - استنادی است،

و در نهایت، آراء تفسیری وی که در صدد پاسخگویی به نیازهای جامعه اسلامی و انسانی

است، محصول و ثمره این مینا، گرایش و روش است.

نتیجه‌گیری

عصر سیدجمال دستخوش مسائلی بود از جمله اینکه ظلم و استبداد و استعمار بر سراسر ممالک اسلامی سایه انداخته بود و فقر و جهل و خرافات دامنگیر جامعه اسلامی بود. همین مسائل موجب شده بود که مسلمانان در کنار چشمه جوشان معارف و آموزه‌های اصیل اسلامی، در تشنگی استضعاف و انحطاط به سر برند. سیدجمال‌الدین، که قرآن در زندگی و نظام فکری‌اش اشراب شده بود، سعی داشت با رجوع به قرآن و ابداع سبک نوینی در تفسیر، راه چاره‌ای برای برون‌رفت از این مشکلات و عقب‌ماندگی ارائه کند لذا با نگاه و «گرایش اجتماعی» به تفسیر قرآن پرداخت. سیدجمال سبک نوینی را در حوزه تفسیر پایه‌گذاری کرد که تأثیر زیادی بر تفاسیر بعد از وی داشته است. در «تفسیر اجتماعی» مفسر دغدغه طرح ابعاد اجتماعی آیات را دارد و در پی یافتن راه‌حلی برای پاسخگویی به نیازهای روز جامعه خویش است. هر چند مبنای تفسیری سیدجمال با توجه به شرایط زمانی

و فضای حاکم بر جامعه اسلامی «بازگشت به قرآن» و محوریت دادن به آموزه‌های قرآنی در تمام شئون اجتماعی بود، سید تنها از «گرایش اجتماعی» بهره نبرد و در برخی موارد نکات تفسیری عرفانی، فلسفی و... نیز ارائه کرد. او برای سبک‌های دیگر تفسیری، همچون تفسیر روایی، فقهی، ادبی، بلاغی و... احترام قائل بود، ولی با توجه به شرایط زمانی و نیاز جامعه مسلمین و فضای حاکم بر جامعه، این سبک‌ها را در اولویت نمی‌دید و توان پاسخگویی به نیازهای روز را در آنها نمی‌دید؛ لذا وی به «تفسیر اجتماعی» معتقد بود و تمام همت خود را برای تعریف، تبیین و ضوابط حاکم بر تفسیر اجتماعی مصروف داشت و سعی کرد این سبک را به شاگردان و مفسران بعدی انتقال دهد. وی در روش تفسیری‌اش از روش‌های متعددی بهره برد، ولی این روش‌ها در تضاد با هم نیستند بلکه مکمل یکدیگرند. می‌توان ادعا کرد که شیوه غالب در روش تفسیری سیدجمال روش تحلیلی - استنادی است که با تحلیل آیات و استناد به آنها، مسائل مطرح در جامعه را بررسی کرده در صدد پاسخگویی و ارائه راه‌حل بوده است؛ این نکته در آثار تفسیری وی نیز مشهود است. برای مثال، در زمینه ایجاد «وحدت اسلامی»، که سید آن را برای نجات از استبداد و استعمار و جهل و خرافات و ضعف و انحطاط جامعه اسلامی ضروری می‌دانست، با بررسی عوامل ایجاد کننده وحدت و تحلیل آنان و استناد دادن آنها به آیات قرآن، در صدد تحقق بخشیدن به آنها بود و موانع پیش روی ایجاد وحدت را نیز با استناد به آیات قرآن تحلیل می‌کرد و در صدد رفع آنان برآمده بود.

منابع

۱. قرآن کریم.

فارسی

۲. اسدآبادی، میرزا لطف الله خان، شرح حال و آثار سید جمال الدین اسدآبادی، معروف به افغانی، انتشارات سحر، تهران، ۱۳۵۶.
۳. ایازی، سید محمد علی، «گرایش اجتماعی در تفسیر پرتوی از قرآن»، مجموعه مقالات بررسی اندیشه‌های قرآنی و اقتصادی آیت الله طالقانی، ناشر، انتشارات دانشگاه مفید، چ اول، قم، ۱۳۸۹.
۴. جبرئیلی، محمدصفر، سیری در تفکر کلامی معاصر، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ اول، تهران، ۱۳۹۱.

۵. جمالی اسد آبادی، ابوالحسن، نامه‌های تاریخی و سیاسی جمال الدین اسد آبادی، کتابهای پرستو وابسته به امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰.
۶. جمالی اسد آبادی، صفات الله، اسناد و مدارک درباره سید جمال الدین اسدآبادی، دارالتبلیغ اسلامی، قم، ۱۳۴۹.
۷. حللی، علی اصغر، تاریخ نهضت‌های دینی - سیاسی معاصر، چ ۱، انتشارات بهبهانی، تهران، ۱۳۷۱.
۸. حللی، علی اصغر، زندگی و سفرهای سید جمال الدین اسدآبادی، انتشارات زوار، تهران ۱۳۵۶.
۹. خرمشاهی، بهاء‌الدین، تفسیر و تفاسیر جدید، کیهان، تهران، ۱۳۶۳.
۱۰. خسروپناه، عبدالحسین، آسیب شناسی دین پژوهی معاصر، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ اول، قم، ۱۳۸۸.
۱۱. عنایت، حمید، سیری در تفکر سیاسی عرب، چ ۶، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۵.
۱۲. گودرزی، فاطمه، مبانی قرآنی اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه امام خمینی در مقایسه با سید جمال الدین اسدآبادی، مؤسسه چ و نشر عروج، تهران، ۱۳۸۳.
۱۳. مدرسی چهاردهی، مرتضی، سید جمال الدین و اندیشه‌های او، انتشارات امیرکبیر، چ ۴، تهران، ۱۳۵۳.
۱۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، چ ۲۴، ۱، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۵.
۱۵. موثقی، سید احمد، علل و عوامل ضعف و انحطاط مسلمین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳.
۱۶. نوازی، بهرام، آرا و اندیشه سید جمال الدین اسدآبادی، انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، چ ۱، ۱۳۸۷.
۱۷. واثقی، صدر، سید جمال الدین حسینی، پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی، انتشارات پیام، چ دوم، تهران، ۱۳۵۵.

عربی

۱۸. الأفغانی، سید جمال الدین و الشیخ محمد عبده، العروة الوثقی، چ دوم، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۰ هـ ۱۹۸۰.
۱۹. امین، احمد، زعماء الاصلاح فی العصر الحدیث؛ الاولى، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۶ ق.
۲۰. ایازی، سیدمحمدعلی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چ و انتشارات، چ اول، تهران، ۱۳۷۳.
۲۱. حسینی اسدآبادی، سید جمال الدین، الآثار الکامله؛ العروه الوثقی، اعداد تقدیم، سید هادی خسروشاهی ج ۱، الاولى، مکتبته الشروق الدولیه، القاهره، ۱۴۲۳ ق.
۲۲. _____، الآثار الکامله؛ الرسائل و المقالات؛ اعداد تقدیم، سید هادی خسروشاهی، ج ۵، الاولى، مکتبته الشروق الدولیه، القاهره، ۱۴۲۳ ه.ق.
۲۳. عماره، محمد، الاعمال الکامله للامام محمد عبده (ج۵)، دار الشروق، القاهره؛ ۱۴۲۷ ق.

مقالات

۲۴. توانا، محمد علی، «اسلام و مدرنیته در اندیشه سید جمال الدین اسدآبادی»، مجله پژوهش علوم سیاسی، شماره سوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.

اینترنتی

۲۵. رضوان، هادی، مقاله تاثیر قرآن بر اندیشه‌های سید جمال الدین اسدآبادی، منتشر شده در: همایش بین المللی بزرگداشت یکصد و پنجاهمین سال حیات فعال جمال الدین حسینی اسدآبادی در سال ۱۳۸۸، ناشر اینترنتی: مرجع دانش (ناشر تخصصی کنفرانس‌های کشور)، تاریخ مراجعه: دی ۱۳۹۴.